

دینامیت لذت

نویسنده:

رضا رضایی

انتشارات اندیشه زرین

۱۳۹۳

سرشناسه: رضایی بروجردی، رضا، ۱۳۵۴-
عنوان و نام پدیدآور: دینامیت لذت / نویسنده رضا رضایی.

مشخصات نشر: قزوین - اندیشه زرین ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص

شابک: ۷۰۰۰ ریال - ۷-۱۲-۶۶۷۳-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: خوشبختی

مسئله: راه و رسم زندگی

صنوع: موفقیت

رده بندی کلاسیک: ۳۹۲-۵۵/۹/۵۷۵ BF

رده بندی یو بی: ۱۱۱

شماره کتابخانه ملی: ۳۲۷۱۱۳



قزوین - خیابان ناهاری جنوبی - جنب کوچه امیر - ۱۱ - تلفن: ۳۲۲۳۸۷۳۴ - همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۸۰۳۸

دینامیت لذت

➤ نویسنده: رضا رضایی بروجردی

➤ صفحه آرا: زهرا رانمرد

➤ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

➤ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

➤ چاپ و لیتوگرافی: سعیدی

➤ قیمت: ۷۰۰۰ تومان

➤ شابک: ۷-۱۲-۶۶۷۳-۶۰۰-۹۷۸

فهرست

۱		مقدمه
۳		پیشگفتار
۷		بخش اول: تصمیم گیری، موفقیت و شکست
۹		فصل اول: تصمیم گیری
۱۷		بخش دوم: ایمان
۳۹		بخش سوم: شکست در متن موفقیت و موفقیت در متن شکست
۵۹		بخش چهارم: هدف گذاری + تحمل شکست
۶۹		بخش پنجم: بررسی مهم ترین موانع در رسیدن به موفقیت و شادمانی
۷۱		فصل اول: داشتن تعریف نادرست از هدف
۷۵		فصل دوم: افتادن در تله لذات
۱۰۶		فصل سوم: نیازهای کاذب
۱۲۲		فصل چهارم: درماندگی آموخته شده

۱۳۳	فصل پنجم: یأس فلسفی
۱۴۵	فصل ششم: داشتن خود پنداره‌ی منفی از خویش
۱۵۱	بخش ششم: اقدام و عمل
۱۶۱	منابع

www.ketab.ir

مقدمه

"بسم الله الرحمن الرحيم"

اولین حرف این نوشته بای بسم الله الرحمن الرحيم است به امید آن که نقطه‌ی پایان آن مهر تأیید الهی باشد. خدایا علی این نوشته را تو بیچان و در دست من قلم را تو بگردان و اگر خطا می‌روند این را از من هم، نانوشته بماند این نوشته و شکسته شود آن قلم.

با تمام تنگ مایگی‌ام... از زمانی که خود را شناختم شوق روان به نوشتن داشتم. اما زمانی که به آثار بزرگان ادب و اندیشه می‌رسم ناخودآگاه دستم از ادب بر سینه می‌نهد و سر کرنش فرود می‌آورم و از این که چیزی نتوانم به خدا را شکر می‌گویم و از آن که چنین خیال خامی به خاطر من خطور کرده است احساس شرم می‌کنم. با خود می‌گویم بهتر همان که در بوستان اندیشه و ادب قدمی بزنم تا در این وادی قلمی.

با تمام تنگ مایگی‌ام... هرگاه با خویشتن خویش خلوت می‌کنم، رسانایی قلم را در جاری شدن حروف از قلب به صفحه‌ی وجود را حس می‌کنم و می‌بینم که دست و قلم قلبی شده‌اند که می‌زنند و قلب دستی شده که حرف می‌زند. اگر چه زیبا نوشتن برایم آرزویی بزرگ و شاید دست نیافتنی می‌نماید، اما همیشه دغدغه‌ی اصلی من، پیامی است که در قالب کلام، از عرصه‌ی درون به صحنه‌ی وجود می‌نهد. همیشه حس کرده‌ام که حرف‌هایم، دردها و دغدغه‌هایم را می‌توانم یا قلم به زبان بیاورم به گونه‌ای که شنیده شوند و درک شوند.

در این نوشته‌ها تا مطالب دشوار علمی و فلسفی را با قلم دقیق یک مقاله‌نویس بنویسم بلکه می‌دارم که حرف‌های رقیق دلم را با تکیه بر مطالب نسبتاً علمی و دقیق بیان کنم. هرچون ساده لوحان و ساده اندیشان، چیزهایی بنویسم و حرف‌هایی بزنم به نفس با سینه با مزد الهی، با زبان الکن خویش و با تمام تنگ مایگی‌ام.

پیش گفتار»

مطالب این کتاب را با نقل دو جمله بزرگان آغاز می‌کنم. شاید تمام هدف من از نوشتن این کتاب در پیامی که این دو جمله می‌دهد خلاصه شده باشد. لطفاً با تمام وجود به این دو جمله دقت کنید.

«راستی چه لذتی می‌تواند با لذت غلبه بر من لذتی که به نظر غیر قابل حل می‌آید و لذت بیشتر و بیشتر توسعه دادن موهبتی فوقت، برابری کند؟»

آیا تا به حال چنین لذتی را درک کرده‌اید؟ به نظر شما این جمله را چه کسی گفته است؟ یک نابغه‌ی ریاضیات؟ یک قهرمان المپیک؟ یک تاجر بزرگ؟ یک سیاستمدار بزرگ؟ یک سخنران بزرگ؟ یک نویسنده‌ی طراز اول دنیا؟

به جمله‌ی دوم توجه کنید:

«هرکس که از روی خوش قلبی کلمه‌ای مشکل‌گشا بگوید، لبخندی بزند و یا راه مسختی را برای کسی هموار کند، می‌داند احساس لذتی که می‌کند

آن چنان بخشی از وجودش می‌گردد که دیگر برای همیشه با آن زندگی خواهد کرد.»

با این جمله موافقت؟ تا چه حد خودتان این لذت را تجربه کرده‌اید؟ به نظر شما این جمله را چه کسی گفته است؟ یک قدیس؟ یک انسان پولدار و خیر؟ یا شما می‌توانید خود را به جای او بگذارید؟ یانه خودتان را در آن حد نمی‌بینید که بتوانید جای او باشید؟ یعنی نه آن قدر خوشبخت هستید که دل و دماغ این کارها داشته باشید و نه آن قدرها پولدارید که بتوانید چنین کارهایی بکنید.

تمام تلاش من این است که شما پس از خواندن این کتاب، این دو لذت را بیش از پیش در زندگی خود تجربه کنید. ۱- چشیدن طعم موفقیت و خوشبختی خود ۲- چشیدن لذت خوب بودن و خوشحالی کردن و کمک به دیگران.

اما نگفتید، فکر می‌کنید آن چنان چه کسانی گفته‌اند؟ تعجب می‌کنید اگر بگویم هر دو جمله از خانم هلن کور (به نقل از هیل واستون، ۱۳۸۸) است. زنی که اطمینان دارم هرگز دوست ندارید که به جای او بودید. دختری که در نوزده ماهگی هم بینایی و هم شنوایی خود را از دست داد. مشقت‌آور نیست؟ معمولاً ناشنوایی با از دست دادن قدرت تکلم همراه است. از دست دادن شنوایی و بینایی با از دست دادن ارتباط برقرار کردن با دیگران هم به سختی و با همین روش با او ارتباط برقرار می‌کنند. حالا اگر کسی هم شنوایی و هم بیناییش را از دست بدهد چه راهی برای ارتباط با او باقی می‌ماند؟ انگار که ناگهان با محیط قطع ارتباط کرده و به تنهایی در سکوت و تاریکی مطلق فرو رفته است. راستی شرایط شما تا چه حد بهتر از این دختر است؟ شما تا چه اندازه با استعدادتر از این دختر ناشنوا و نابینا هستید؟ چند

دینامیت لذت / ۵

برابر او خداوند در شما توانایی قرار داده است؟ چند برابر او سپاسگزار خداوند هستید؟

اما بدانید هُلن کُلر به کمک معلم بی نظیر خود سولیوان و فقط با کمک حس و سه خود، با پشتکار بی نهایت زیاد توانست نه تنها با عالم بیرون ارتباط برقرار کند، بلکه سخن بگوید و حتی از سخنرانان بزرگ باشد. او نه تنها نوشتن را آموخت بلکه یازده کتاب و دهها مقاله نوشت. نه تنها سواد آموخت بلکه به دانشمند رسید و با لیسانس التحصیل شد. نه تنها در خویش فرو نرفت و درمانده نشد، بلکه به هزاران معلول نابینا و ناتشو و میلیون ها نفر انسان سالم اما ناکام درس امید به زیستن داد. زبیر با توصیف این معجزه بزرگ قاصر است. یکی از مقامات بلند پایه ی آمریکا در مراسم تدفین او در سال ۱۹۴۷ این جملات را گفت:

«او زنده خواهد ماند و یکی از بزرگترین نام ها در جهان خواهد بود که متولد شده اند اما نه برای مردن. روح او برای همیشه در هر کسی ماند و نسل ها می توانند داستان های بسیاری را از زنی روایت کنند و بخوانند که به جهان نشان داد هیچ مرزی برای شجاعت و ایمان وجود ندارد.»